

تاریخ و فرهنگ، سال چهل و نهم، شماره پیاپی ۹۸،
بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۸۳-۱۰۱

آرای تربیتی ابوالحسن قابسی در آمدی بر مبانی فکری و زمینه های اجتماعی*

حمید محیب ازغندی / دانش آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد مشهد^۱
دکتر مهدی جلیلی / استاد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

ابوالحسن علی قابسی (متوفی ۱۰۱۲/ق ۴۰۳م)، فقیه مالکی مذهب در افریقه و صاحب کتابی در تعلیم و تربیت اسلامی موسوم به *الرساله المفصله لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین* است که محتوا و برنامه آموزشی اهل سنت در آن منطقه دست کم تا سده نهم هجری بر اساس آراء مطرح شده در این اثر بوده است. پژوهش حاضر، ضمن بررسی زمینه ها و عوامل اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر آراء فقهی- کلامی و تربیتی قابسی، خطوط اصلی مطرح در *الرساله المفصله* را به روش توصیفی- تحلیلی مورد واکاوی قرار داده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد، اندیشه های قابسی و محتوای اثر وی بیش از هر چیز متأثر از تکاپوهای سیاسی - فرهنگی فاطمیان و بنی زبیری و واکنشی به فعالیت آنها بوده است.

کلیدواژه ها: قابسی، *الرساله المفصله*، افریقه، مذهب مالکی، آرای تربیتی فقهای مالکی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۲۹

نویسنده مسئول: hm.azghandi@gmail.com . Email: 1

DOI: 10.22067/jhc.v49i1.65757

مقدمه

از زمان انتشار *الرساله المفصله* در سال ۱۹۵۵م توسط احمد فؤاد الاهدانی - استاد دانشگاه الازهر- در مصر، (اهدانی، ۱۹۶۸م، ۲۶۷-۳۵۰) این اثر و آرای آموزشی مطرح شده در آن موضوع پژوهشهای مختلفی قرار گرفته است.^۱ فقیهی در مقاله ای آرای تربیتی قابسی را به صورت مروری و با استفاده از منابع دست دوم و معاصر شرح داده است (فقیهی، ۱۳۷۶ش، ۲۸-۴۶). نگارنده نیز در مقاله ای ضمن واکاوی اصول و روشهای تربیتی مورد نظر قابسی، به مقایسه آنها با اندیشه های برخی از صاحب نظران تربیتی معاصر پرداخته است. پژوهش اخیر نشان داد که بسیاری از این اصول و روشها میان قابسی و پژوهشگران مورد مقایسه، به سبب اشتراک منابع اصلی، مشابهت قابل توجهی دارد (محبیب ازغندی و جلیلی، ۱۳۹۵ش، ۱۱ - ۳۷). به هر روی، آنچه مسلم است، در این پژوهش ها، مبانی فکری و زمینه های آراء وی مورد نظر نبوده است. در پژوهش حاضر، ضمن واکاوی زمینه های اجتماعی و سیاسی آراء قابسی، خطوط اصلی رساله او مطرح شده است.

زندگی قابسی

ابوالحسن علی بن محمد بن خلف معافری قرّوی مشهور به قابسی (۳۲۴-۴۰۳ق. ۹۳۶-۱۰۱۲م.) در خانواده ای مذهبی و صاحب نفوذ - چنانکه برخی از اسلاف وی در زمره فقیهان و محدثان بزرگ افریقیه بودند- تولد و رشد یافت. وی با وجود نابینایی پس از کسب دانش مقدماتی فقه مالکی، قرآن و قرائت‌های مختلف آن در شهر قیروان با همراهی برخی از شاگردان مورد اعتمادش نزد فقیهان و محدثان سرشناس مالکی در مکه و مصر به مدت پنج سال، به تکمیل دانش خود در علوم دینی همانند اصول، حدیث و علوم وابسته به آن، کلام و فقه مالکی پرداخت و در سال ۳۵۷ق/۹۶۸م پس از دریافت اجازه تدریس از برخی استادان مشهور به قیروان بازگشت (خالد، ۹؛ ابن فرحون مالکی، ۱۰۱/۲؛ تمیمی قیروانی، ۲۰۲). تلاش بسیار در راه کسب دانش، احاطه بر علوم دینی، نگارش آثاری در این زمینه و تدریس در جامع قیروان چنان شهرت علمی و محبوبیت اجتماعی برای قابسی به همراه داشت که طی مدتی

۱. الاهدانی، ۱۹۶۸م، ۲۶۵-۲۱، ترجمه ترکی توسط سلیمان آتش داغ، ۱۳۶۹، ص ۴۰۳. شرح و ترجمه به فرانسه توسط احمد خالد، خالد، ۱۹۸۶. محمد محمود وصوص و سلیمان الجوارنه، ۲۰۱۴، ص ۹۰۰-۹۱۱. کوشافر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹-۱۳۶.

کوتاه به ارزشمندترین لقب‌های علمی مانند امام، فقیه، محدث، حافظ شیخ و علامه دست یافت. همین امر، رفت و آمد کثیری از طالبان علم از نقاط مختلف را به قیروان در پی داشت (ابن بشکوال، ۱۵۶/۱-۱۵۷؛ خالد، ۱۳-۱۵؛ ذهبی، ۱۰۷۹/۳، الصفدی، ۲۱۷؛ ابن خلدون، ۱۹۶۱م، ۸۵/۳).

از میان آثار مختلف قابسی تنها دو کتاب *المُلَخَّصُ المَوْطَأُ* در تلخیص و بررسی اسناد احادیث *المَوْطَأُ مالک بن آنس* (مشهور به امام مالک) و کتابی تربیتی به نام *الرسالة المُفَصَّله لآحوال المُتَعَلِّمِین و احکام المُعَلِّمِین و المُتَعَلِّمِین* باقی مانده است (بروکلمان، ۲۱۷/۳-۲۷۹). وی در نگارش اثر اخیر از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود تأثیرات زیادی پذیرفته که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. منابع قابسی

قابسی برای گردآوری مطالب و شیوه تدوین رساله تربیتی خود، از قرآن، احادیث و نگاه‌ها های صاحب نظران هم مذهب خود به شیوه های مختلف بهره برده است. وی برای تأیید یا تکمیل بسیاری از گفته‌های خود در مجموع به ۱۸۹ آیه از سوره‌های مختلف قرآن مانند کهف، فرقان، نحل و... استناد کرده است. استناد وی به گونه ای است که تمام یا بخشی از آیه را آورده یا صرفاً به مضمون آن اشاره کرده است. همچنین احادیث متعددی را از *المَوْطَأُ* امام مالک و جوامع حدیثی اهل سنت - به جز سنن ترمذی^۲ - پس از بررسی اسناد و رجال، متناسب با بحث خود نقل کرده است. علاوه بر این منابع، به روشنی می توان تاثیر *آداب المُعَلِّمِین* ابن سحنون^۳ را که در این زمان مقبولیت و رواج داشت در اثر قابسی دید.^۴ به عنوان نمونه برخی از آرای آموزشی قابسی به ویژه در زمینه تعیین وظایف معلم و دانش آموزان عمدتاً متأثر از ابن سحنون است (قابسی، ۳۰۵، ۳۴۲؛ ابن سحنون، ۳۶۲).

در ضمن، قابسی از نگاه‌ها های صاحب نظران دیگری نیز سود برده که صرفاً به نام آنها -

۱. برای اطلاع از زندگی امام مالک و مشخصات کتاب *المَوْطَأُ* (ر.ک. معارف، ۱۲۵-۱۲۷).

۲. صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداود، سنن نسائی، سنن ترمذی و سنن ابن ماجه.

۳. ابن سحنون فقیه مالکی ۲۰۲-۲۵۶ ق/۸۱۹-۸۷۰ م نخستین رساله فقهی-تربیتی در میان مالکی مذهب افریقه را با نام *آداب المعلمین* نگاشت (فقیهی، ۱۳۸۸ش، ۷۰/۱).

۴. این کتاب با نامهای *آداب المعلمین*، *آداب المتعلمین*، *آداب المعلمین* و *المتعلمین* ضبط شده است اما نام مشهور آن *آداب المعلمین* است (عثمان الحجازی، ۱۹۹۵م، ۵۲).

بدون ذکر کتابهایشان - اشاره کرده است. از جمله می‌توان به ابن وهب، ابن قاسم و ابن حبیب^۱ اشاره کرد که هر یک، آثاری در زمینه حدیث و فقه مالکی داشته‌اند. باید یادآوری کرد که استفاده قابسی از این منابع تنها نقل قول نیست بلکه او در بسیاری از موارد ضمن نقل دیدگاه‌های مختلف، به نقد و بررسی و یا رد آنها پرداخته و بعضاً متناسب با وضعیت جامعه و زمان خود، اجتهادهایی نیز ارائه کرده است (قابسی، ۲۹۸ - ۳۰۱، ۳۱۹).

۲. زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آرای قابسی

الف. ورود و تثبیت مذهب مالکی در افریقه

منطقه افریقه در سده دوم هجری به سبب عواملی چند دستخوش ناآرامی شد. اختلافات خانوادگی امویان و در نتیجه ضعف دولت مرکزی و متعاقباً روی کار آمدن عباسیان، اختلافات قومی میان عربها و بربرها - اقوام بومی منطقه - و همچنین رواج نحله‌های مختلف مذهبی و فکری از این جمله بود. حاصل این وضع، شورشهای متعددی بود که عمدتاً توسط سران قبایل و خوارج شکل گرفت. نهایتاً خوارج با وجود شکست‌های متوالی از دولت مرکزی، موفق به تشکیل دو حکومت محلی صُفریه (حک. ۱۴۰-۳۵۲ق/۷۵۷-۹۶۳م) و اباضیه (حک. ۱۶۰-۲۹۶ق/۷۷۶-۹۰۹م) در مغرب میانه شدند.^۲

اگرچه از فعالیت‌های آموزشی خوارج صفریه اطلاع چندانی در دست نیست، اما مشخص است که پیروان فرقه خارجی اباضیه در قرن چهارم هجری که در وضعیتی تدافعی بوده‌اند، فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خود را در قالب نظامی ابداعی به نام عذابه - با آداب و رسوم منحصر به فرد - داشته‌اند^۳ (عثمان الحجازی، ۲۰۰۰م، ۲۳۳؛ مونس، ۲۹۴/۱ - ۳۴۱).

با روی کار آمدن خاندان عرب مُهَلَبی (حک. ۱۵۱-۱۷۹ق/۷۶۸-۷۹۵م) آرامش و ثبات نسبی و در نتیجه رونقی در افریقه ایجاد شد. بعد از این تغییرات بود که برخی از پیشوایان مشهور مالکی به این سرزمین مهاجرت کرده، با تبلیغ و تربیت شاگردانی زمینه نشر مذهب فقهی خود را فراهم آوردند. در پی اقدامات آنها این مذهب مورد توجه اکثریت مردم منطقه واقع شد. رشد و گسترش مذهب مالکی در پی تشکیل دولت اغلَبی (حک. ۱۸۴-

۱. برای اطلاع از زندگی و آثار این افراد (ر.ک. قاضی عیاض، ۱۹۶۷م، ۴۲۱/۲ - ۴۴۰ - ۳۰/۳ - ۳۷).

۲. درباره اعتقادات این دو فرقه (ر.ک. شهرستانی، ۱۷۲/۱ - ۱۷۵).

۳. نظامی که در آن بر فراگیری کلام، حدیث و تاریخ تأکید می‌شد. مسئولان آموزشی و دانش‌آموزان دارای لباس مشخص و سلسله مراتب بودند.

۲۹۷ق/۷۹۷-۹۱۰م)، حمایت آنان از فقه و حدیث اهل سنت و فعالیت های فرهنگی فراوان پیشوایان مالکی و نگارش آثار فقهی و حدیثی مهم ادامه یافت به طوری که به عنوان مذهب رسمی منطقه تثبیت شد و پیروان دیگر مذاهب در اقلیت قرار گرفتند (تمیمی قیروانی، ۱۶۳-۱۶۶؛ مونس، ۲۷۱-۲۷۲).

مذهب مالکی مذهبی ساده، مبتنی بر قرآن و حدیث و به دور از علوم عقلی محض است، از این رو با شرایط اجتماعی و فرهنگی افریقه تناسب بیشتری داشت. توجه و عنایت ساکنان آنجا به این مذهب تا بدانجا بود که می توان آن را تعصب نامید (خالد، ۱۶؛ موسوی و ذیلابی، ۶۳ - ۶۴؛ عثمان الحجازی، ۱۹۹۵م، ۲۴). اما سقوط اغلیبان و تشکیل خلافت فاطمی در ملتقای سده های سوم و چهارم هجری قمری، این وضع را دگرگون کرد و انجام مناسک مذهبی و سازمان تعلیم و تربیت، مالکی مذهب را با چالش های گوناگون مواجه ساخت (نک. ادامه مقاله).

ب. برآمدن حکومت شیعی: ناهمگونی حکومت و مردم در افریقه

فاطمیان که نسب خود را به امام جعفر صادق (ع) می رسانند و در زمره امامان فرقه شیعی اسماعیلیه به شمار می روند، در اواخر قرن سوم هجری با اتکا به فعالیت های تبلیغی و نظامی داعی مشهور خود، ابو عبدالله شیعی، موفق شدند خلافتشان را در افریقه مستقر کنند (شهرستانی، ۲۵۹/۱-۲۷۱؛ قاضی نعمان، ۷۱-۷۸، ۱۱۷-۱۲۲). عدم همگونی عقاید اسماعیلیه با بافت سیاسی- اجتماعی منطقه منجر به اتخاذ سیاست های متغیر و بعضاً متضاد توسط خلفای فاطمی گردید که آنها را می توان ذیل سه دوره اصلی بررسی کرد:

دوره نخست را باید پیش از تشکیل خلافت فاطمیان و همزمان با سال های پایانی حکومت اغلیبان دانست که داعیان فاطمی طبقات متوسط و پایین جامعه را برای نشر دعوت خود انتخاب کرده، آنها را به ظهور فردی از خاندان پیامبر نوید می دادند. این مبلغان برای جذب افراد بیشتر، از طرح شعارهای ضد مذهب اکثریت جامعه خودداری کرده و بر مسائلی مانند عدالت، برابری و پیروی از کتاب و سنت پیامبر (ص) تاکید می کردند. این شیوه تبلیغ و شعارهای امیدوار کننده، باعث گرایش برخی از قبایل منطقه مانند کُتامه به مذهب اسماعیلیه شد. متعاقب این وضع ابو عبد الله شیعی - رهبر اصلی داعیان- با تشکیل نیروی نظامی، نبرد خود را برای تسخیر شهرهای مختلف منطقه آغاز کرد. بر رغم مقاومت اغلیبان و ساکنان

برخی از شهرها در برابر این دعوت و نیروی جدید، درگیری های داخلی امیران اغلی، ضعف خوارج و امیدواری نوکیشان اسماعیلی به ظهور منجی (مهدی)، پیروزی داعیان فاطمی و سرنگونی حکومت های محلی را به همراه داشت (چلونگر، ۱۳۸۵ش، ۱۲۰ - ۱۲۸).

دوره دوم همزمان با خلافت عبدالله مهدی (حک. ۲۹۷-۳۲۲ق/۹۱۰-۹۳۴ م) و القائم (حک. ۳۲۲-۳۳۴ق/۹۳۴-۹۴۵ م) است که با نشر دعوت فاطمیان و پذیرش برخی از قبایل، امام اسماعیلیان به افریقه مهاجرت کرده پس از مدتی کوتاه خلافت خود را اعلام داشت. از آن پس تلاش وی و جانشینانش به حفظ این موقعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی معطوف گردید. از این رو، جهت نیل به این هدف، خشونت، اجبار و حتی قتل بزرگان اهل سنت منطقه، جای شعارهای اصلی را گرفت یا آنها را تعدیل کرد. چنانکه از یک سو، محدودیت های زیادی در شعائر مذهبی اهل سنت مانند نماز تراویح و قضاوت بر مبنای مذهب مالکی اعمال می شد و از سوی دیگر، انجام دادن شعائر شیعی مانند گفتن حی علی خیر العمل در اذان اجباری گردید (موسوی و ذیلابی، ۶۷ - ۷۸).

محدودیت های فراوانی نیز برای فعالیت های آموزشی فرق دیگر منطقه به ویژه در حوزه فقه و کلام اهل سنت ایجاد شد: جامع ناقه؟ به آموزش مقدمات فقه حنفی عربی و دانش هایی غیر دینی مانند پزشکی و ریاضی اختصاص یافت. جامع عقبه نیز رونق و شکوه گذشته را از دست داد و جز اندک فعالیتی در آموزش مقدمات فقه و قرآن نقشی دیگر نداشت. علاوه بر این، وضع مالیات بر طبق فقه اسماعیلیه، توان اقتصادی اهالی منطقه را رو به زوال برد (خضیری، ۱۸۴ - ۱۸۵؛ غنیمه، ۷۲؛ نجوی، ۶۶، ۶۸؛ مونس، ۶۰/۲ - ۷۲؛ چلونگر، ۱۳۸۵ش، ۱۳۴ - ۱۳۶؛ همو، ۱۳۸۲ش، ۹۴ - ۹۶).

این سیاست ها منجر به شکل گیری جنبشی دینی- اجتماعی به رهبری فردی به نام ابویزید مُخَلَّد بن کیداد یفرنی شد که از حمایت بسیاری از قبایل خوارج و فرق اهل سنت برخوردار گشت. جنبش وی که حدود ۱۵ سال تداوم داشت تا بدانجا گسترش یافت که حوزه حکومت فاطمیان را مدتی محدود به پایتخت آنان کرد، لیکن نهایتاً در زمان خلافت المنصور (حک. ۳۳۴-۳۴۱ق/۹۴۵-۹۵۳ م) شکست خورد (ابن العذاری، ۲۱۶/۱ - ۲۲۱).

دوره سوم، سال های خلافت المنصور و المعز (حک. ۳۴۱-۳۶۲ق) را در بر می گیرد که با تغییر سیاست آنان در قبال مذهب و اهالی منطقه و شکست جنبش ابویزید - به عنوان یکی

از عوامل این تغییر- همراه است. سیاست فاطمیان را در این دوره می‌توان در دو ساحت مورد بررسی قرار داد:

الف. در پیش گرفتن تسامحی نسبی در قبال اهل سنت: قیام ابویزید و حضور گسترده اهالی افریقیه، به ویژه فقیهان و بزرگان مالکی در آن، خلیفه المنصور را وادار به تجدید نظر در برخی از سیاستهای خلفای پیش از خود کرد. بر همین اساس، وی با در پیش گرفتن اندکی تسامح از سختگیری و شدت عمل حکومت کاست. همسو با همین سیاست تعدادی از فقیهان مالکی را به مناصب اداری گماشت و در برخی از شهرها منصب قضاوت را به مالکی مذهبان واگذار کرد. همچنین با رفع بخشی از محدودیت های آموزشی، اهل سنت اجازه یافتند جلسات درس خود را در مساجد جامع اصلی تشکیل دهند. به اعتقاد خلفای فاطمی، اعطای چنین امتیازاتی می‌توانست جلب توجه و همراهی جامعه به ویژه فقیهان مالکی را با سیاست های حکومت موجب شود (فضلی، خضری، ۳۹؛ مونس، ۱۵۲/۲-۱۵۶).

ب: فعالیتهای فرهنگی: سیاست دیگر، تقویت بخش فرهنگی از طریق نگارش آثار فقهی و کلامی و تعلیم و تربیت بود. در این راستا، برخی از صاحب نظران اسماعیلی مانند قاضی نعمان (۲۸۳-۳۶۳ ق/۸۹۶-۹۷۳ م) آثار قابل توجهی درباره فقه، کلام و تاریخ اسماعیلیه نگاشتند. استفاده از راه های آموزشی و پرورشی نیز مورد توجه و تأکید بیشتری قرار گرفت بدین منظور نظام آموزشی خاص فاطمیان تقویت شد؛ نظامی که امام در رأس آن قرار داشت و داعی الدعوات و دیگران زیر نظر او فعالیت می‌کردند (عثمان الحجازی، ۱۹۹۷، ۳۱۰؛ فضلی، خضری، ۳۴-۴۰). تعلیمات فاطمیان در دو سطح انجام می‌شد. نخست علم ظاهر که شامل علوم دینی و نظامی بود و همه افراد بدون محدودیت سنی و جنسی می‌توانستند آن را فرا گیرند. در این مرحله مفاهیم اصلی مانند ایمان، اسلام و برخی از احکام مطابق مذهب اسماعیلی تبیین می‌شد و علاوه بر آن فراگیران با فضایل امام علی (ع) و خاندان وی آشنا می‌شدند. فراگیری علوم ظاهر به صورت تدریجی و مرحله ای انجام می‌شد و یکی از مقدمات پیوستن افراد به فرقه اسماعیلیه و فراگیری باطن علوم به شمار می‌رفت. دوم، علوم خاص تشیع اسماعیل به گرویدگان به این مذهب و تشکیلات آموزشی آن اختصاص داشت. این مرحله شامل فراگیری باطن علوم و تأویل آنها بود که توسط امام یا با نظارت مستقیم وی در قصر خلیفه انجام می‌شد و «مجالس الحکمه» نام داشت. اسماعیلیان، راهنمایی آموزشی به نام

العالم والعالم داشتند که در قرن سوم هجری توسط ابن حوشب^۱ نگاشته شده بود و در آن چگونگی آموزش افراد و رساندن آنها به مراحل نهایی آموزشی به صورت تمثیلی ترسیم شده بود (هالم، ۱۳۷۷ش، ۲۷ - ۳۳؛ فضلی، خضری، ۳۱).

فاطمیان پس از ۶۵ سال حکومت پرفراز و نشیب سرانجام در پی نبردهای طولانی، مصر را فتح و در سال ۳۶۲ق/۹۷۲م به آنجا نقل مکان کردند و ادارهٔ افریقیه را ضمن شرط هایی به سردار خود بُلکین بن زیری بن مُناد صنهاجی سپردند (ابن اثیر، ۵۹۰/۸). امیران بنی زیری تا اوایل قرن پنجم - حداقل در ظاهر - پیرو خلافت فاطمی بودند و بسیاری از آداب و رسوم شیعی مانند بزرگداشت اول و نیمه ماه های رجب و شعبان، استقبال از حلول ماه رمضان، بزرگداشت عید غدیر و عزاداری عاشورا را در افریقیه اجرا می کردند و شیعیان در حکومت آنها از آزادی فراوان و محله های خاص برخوردار بودند (خضیری، ۲۷۱-۲۷۹). با وجود این، اکثریت جمعیت افریقیه را پیروان مذهب مالک بن انس تشکیل می دادند که بعد از تغییر سیاست خلفای فاطمی و مهاجرت آنها به مصر در برگزاری آداب و رسوم و احکام مذهبی خود به ویژه مسایل مربوط به تعلیم و تربیت تا حدی مستقل عمل می کردند (فضلی، خضری، ۱۳۸؛ منیر مرسی، ۲۸).

پیروان این مذهب رساله ای مختصر در بیان برخی از مسائل فقهی مربوط به تعلیم و تربیت داشتند و تا زمان اوج گیری فعالیت های فاطمیان مطابق آن عمل می کردند. این رساله *آداب المعلمین* نام داشت که بر اساس نیازهای جامعهٔ مالکی افریقیه در قرن سوم هجری توسط ابن سخنون نوشته شده بود (ابن سخنون، تمامی صفحات؛ شلبی، ۴۱۵ - ۴۲۲). آموزش آنان آداب خاصی داشت: پس از تشخیص صلاحیت سنی کودکان برای فراگیری دانش، میان والدین آنها و معلم - استاذ - مورد نظر قراردادی تنظیم و در آن مکان آموزش، مواد آموزشی، میزان اجرت معلم و وظایف دو طرف به دقت تعیین می شد. آموزش های آنها به علوم دینی مانند قرآن، حدیث، مقدمات فقه، زبان عربی و اندکی حساب محدود بود که در مکتب ها، مسجدها و برخی از مساجد برگزار می شد و بهره مندی همهٔ اقشار از آن جایز بود (قابسی، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۲۴، ۳۲۷).

آموزگاران مرحلهٔ ابتدایی در افریقیه و برخی از شهرهای تابع آن - برخلاف مناطق شرقی -

۱. ابوالقاسم حسن بن فرح بن حوشب بن زادن کوفی، داعی الدعوات مشهور فاطمی در قرن سوم هجری در یمن بود (ر.ک. قاضی نعمان، ۳۲ - ۳۳).

احترام و جایگاهی والا نزد اهالی داشتند (متر، ۲۱۴-۲۱۶) و طبق مقررات از امتیازات مهمی مانند معافیت از فعالیت های نظامی و شرکت در امور اجتماعی - مشروط به عدم کاهش کیفیت آموزش - برخوردار بودند (همانجا). این امتیازات باعث سوء استفاده برخی از افراد فرصت طلب در تظاهر به این حرفه به منظور بهره مندی از امتیازات آن شده بود. مضاف بر آن، گاه برخی از معلم ها از جایگاه خود نزد مردم سوء استفاده و به بهانه های مختلف مانند تعطیل کردن مکتب، تولد نوزاد و ازدواج افراد مبالغ یا اقلامی خارج از قرارداد درخواست می کردند (قابسی، ۳۱۹-۳۲۰-۳۲۲، ۳۲۹).

ج: حضور اقلیت غیر مسلمان: بافت جمعیتی افریقه در سده چهارم هجری علاوه بر مسلمانان شامل پیروان برخی از ادیان دیگر مانند یهود و مسیحیت نیز می شد. این قشر - به عنوان اقلیت - از چند گروه تشکیل می یافت: گروهی بربرهای بومی بودند که پس از فتوحات مسلمانان در منطقه باقی مانده و تحت حمایت حکومت اسلام زندگی می کردند. بخش دیگر اسیران جنگی و بردگان و کنیزان غیر مسلمانی بودند که از مناطق دیگر خریداری می شدند و گروهی نیز نمایندگان سیاسی و تجاری دولتهای اروپایی بودند (مونس، ۱۳۸۴، ۹۳/۱ تا ۹۵ و ۱۱۲/۲). در هر روی، برای تعیین نوع و میزان روابط میان گروهی در جامعه ای با چنین بافت مذهبی ناهمگون به قوانین و مقرراتی نیاز بود که بخشی از آن در رساله قابسی منعکس شده است. (ن.ک. ادامه مقاله).

نگارش الرساله المفصله: واکنش به فضای موجود

در پی گسترش و تثبیت مذهب مالکی در افریقه، فقیهان این مذهب جایگاهی والا و درخور توجه میان مردم این سرزمین به دست آوردند به طوری که رهبران سیاسی و معنوی مردم به شمار می رفتند. آنان در مقابل سیاست های مذهبی فاطمیان واکنش های متفاوتی نشان می دادند. برخی به مذهب اسماعیلیه گرویدند و برخی در مناظره های دینی با اسماعیلیان شرکت می کردند. برخی هم با رویکرد انکار به آنها می نگریستند و در قیام ابویزید حضور یافته و مردم را هم به این کار تشویق کردند (مونس، ۴۸/۲-۵۱)، اما واکنش ابوالحسن قابسی قدری متفاوت بود. او تغییر سیاست حکومت های فاطمی و بنی زیری و اعتدال نسبی آنان نسبت به اهل سنت و سیاست تدافعی اباضیه را فرصتی برای نشر مجدد مبانی فقهی و کلامی مذهب

مالکی و مقابله با اندیشه های متضاد با آن دانست؛ اندیشه هایی که توسط فاطمیان شیعی و خوارج اباضیه در میان مردم نشر یافته و از سوی برخی مورد پذیرش قرار گرفته بود (قاضی نعمان، ۴۴/۱ - ۵۰؛ ضیایی، ۴۲۹ - ۴۹۲). بدین منظور وی تلاش خود را برای برگزاری جلسات درس و نگارش آثاری در زمینه های مختلف دینی مانند فقه، کلام، عرفان و به ویژه تعلیم و تربیت صرف کرد. حاصل این تلاش ها، رونق مجدد جامع قیروان، تربیت شاگردانی از مناطق مختلف به ویژه مغرب اسلامی و تألیف هجده اثر دینی متنوع بود (سیوطی، ۴۳۷؛ خالد، ۱۸).

اندیشه های قابسی در *الرسالة المفصلة* به عنوان تنها اثر تربیتی باقی مانده اش تجلی یافته است. وی این اثر را در پاسخ به پرسش های مکتوب یکی از اهالی افریقیه نگاشته که به نظر می رسد از فضای سیاسی، اجتماعی و مذهبی پیش گفته متأثر بوده است (قابسی، ۲۶۹). محتوای این رساله را می توان در دو زمینه اصلی مورد تحلیل قرار داد:

۱. پاسخ به برخی از فعالیت های فاطمیان و خوارج

چنانکه گذشت مرحله نخست آموزشی فاطمیان، ظاهر و به ویژه اصول دین و تبیین مفاهیمی مانند ایمان و اسلام را شامل می شد. نخستین پرسش های پاسخ داده شده در *الرسالة المفصلة* نیز تشریح برخی از اصول دین مانند توحید، نبوت و تبیین مفاهیم اصلی ایمان، اسلام، احسان، استقامت و صلاح است که برای روشنتر شدن بحث توضیحاتی درباره دو موضوع ایمان و اسلام آورده می شود:

الف: ایمان: ایمان در مذهب مالکی عبارت است از اعتقاد و تصدیق قلبی خدا و دیدار او، پیامبران پیشین، فرشتگان و روز قیامت و اقرار زبانی آنها (قابسی، ۲۶۹-۲۷۰).

تعریف ایمان از منظر فاطمیان عبارت است از: اعتقاد به یگانگی و بی نیازی خدا، پیامبری حضرت محمد (ص)، قبولی تمامی پیامبران و کتابهای آسمانی، اقرار زبانی آنها و انجام احکام دینی. هر یک از اعضای بدن و وظایفی برای تکمیل ایمان افراد بر عهده دارند که مکمل وظایف دیگر اعضا است. اگر هر یک از این اعضا در انجام مسئولیت خود نقص داشته باشد ایمان فرد هم به همان اندازه ناقص خواهد بود. زیادت آن با توجه به اعمال صالح و گزاردن نماز و روزه، پرداخت زکات و انجام حج است و افراد با توجه به این زیادت و نقصان در مراحل مختلف آن قرار می گیرند. ایمان نزد آنان والاترین اعمال به شمار می رفت که بدون آن هیچ

یک از کارهای دیگر نزد خداوند پذیرفته نیست (قاضی نعمان، ۳۹/۱-۴۲).

چنان‌که ملاحظه می‌شود میان مالکیان و فاطمیان در تعریف ایمان تفاوت‌هایی وجود دارد؛ از نظر اسماعیلیان ایمان، اعتقاد قلبی، قول و عمل جواری است، اما از نظر اهل سنت اعتقاد قلبی و قول است. در نظر اسماعیلیه ایمان دارای درجات و مراحل مختلف است و هر یک از اعضا و جوارح وظیفه‌ای خاص برای تحقق ایمان کامل بر عهده دارند، اما در نظر اهل سنت ایمان فقط امری قلبی و زبانی است و ارتباط چندانی با اعضا و جوارح ظاهری بدن ندارد.

ب. اسلام: در مذهب مالکی، اسلام عبارت است از انجام اعمال دینی مانند عبادت خدا، شرک نورزیدن به او، خواندن نماز، ادای زکات، گرفتن روزه و گزاردن حج که نشان دهنده تسلیم فرد در مقابل خدا است. اگر این اعمال به طور دقیق و کامل انجام شود بر میزان این تسلیم افزوده می‌شود و در این حالت می‌توان اسلام و ایمان را به جای یکدیگر به کار برد^۱ (قابسی، ۲۷۰-۲۷۲؛ فقیهی، ۳۷۶ش، ۳۱؛ همو، ۳۸۸ش، ۱/۱۴۴-۱۴۵). اسلام و ایمان از نظر فاطمیان اندکی متفاوتند؛ ایمان مفهومی خاص و اسلام مفهومی عام دارد. ایمان امری باطنی و اسلام امری ظاهری است و تا امر ظاهری محقق نشود امر باطنی محقق نخواهد گردید. اسلام ایمان را شامل نمی‌شود اما ایمان اسلام را شامل می‌شود یعنی می‌توان گفت هر کسی که مومن باشد قطعاً مسلم هم خواهد بود اما هر کسی که مسلم باشد نمی‌توان به مومن بودن او به طور قطعی رأی داد. به عبارت دیگر اگر اسلام و ایمان به صورت دو دایره متداخل در نظر گرفته شوند ایمان دایره داخلی و اسلام دایره خارجی آن خواهد بود^۱ (قاضی نعمان، ۴۹/۱-۵۰).

۲. تقویت جامعه مالکی

موضوع بسیار مهم دیگری که از رساله قابسی می‌توان استنباط کرد برنامه ریزی وی برای تقویت جامعه اهل سنت مالکی است. وی در این باره بر دو نکته بسیار تأکید دارد:

الف. اصلاح بزرگسالان: قابسی معتقد است تمامی رفتار و گفتار کودکان، متأثر و تابعی از اعمال والدین و معلم آنها است. از این رو، نخست با طرح حدیثی نبوی^۲ بر تأثیرپذیری فرزندان از اعمال پدر و مادر تأکید و در ادامه با استناد به آیه^۳ سوره نسا^۳ وظایف آنان را

۲. «هر مولودی با فطرتی پاک آفریده می‌شود و پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی می‌کنند (بخاری، ۷۹/۲؛ قابسی، ۲۹۲).

۳. «مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند؛ پس زنان درستکار فرمان بردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بزنید. پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آن‌ها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا والای بزرگ است.»

نسبت به یکدیگر خاطرنشان کرده است. بر این اساس، والدین موظفند ضمن رعایت حقوق و مسئولیت های متقابل، در محیط خانواده تمامی احکام دینی مانند وضو گرفتن، نماز خواندن و تلاوت قرآن را به طور کامل رعایت کرده، انجام دادن آنها را به کودکان خود نیز آموزش دهند. علاوه بر این، آنها موظفند بر اجرای این احکام توسط فرزندان خود نظارت و در صورت بروز هرگونه اشتباه آن را اصلاح کنند (قابسی، ۲۸۹ - ۲۹۲). وی در ادامه با ذکر حدیث نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (بخاری، ۷۹/۲)، ضمن یادآوری مسئولیت خطیر معلم در تأثیرگذاری بر کودکان، برخی وظایف وی را در این باره بدین شرح یادآور شده است: معلم در حکم پدر دانش آموزان است و مسئولیت اداره امور مالی و مدیریتی مکتب، تأمین لوازم آموزشی و شرایط دینی حضور دانش آموزان در آنجا نیز با او است. این شرایط باید مطابق با مبانی مذهب مالکی باشد، مانند اینکه تحصیل دانش آموزان دختر و پسر در یک جا انجام نپذیرد. معلم موظف است ضمن اتخاذ روش تدریجی در آموزش، در بهره مندی دانش آموزان از زمان و امکانات آموزشی، عدالت را رعایت کرده و برای پیشرفت بهتر تحصیلی با خانواده های آنان مشورت کند. همچنین باید برای شاگردان، دوستی خیرخواه و دلسوز و برای زندگی آنان راهنمایی کامل باشد و به سبب تأثیرگذاری فراوان بر آنان تمام شئون دینی را در محیط مکتب و خارج از آن رعایت کند مثل این که: بدون اجازه والدین مکتب را تعطیل نکند، در زمان برقراری کلاس به تشییع جنازه یا عیادت بیمار نرود، شاگردان را بدون دلیل تنبیه نکند، در زمان تنبیه خشمگین نباشد و در این کار از حد مجاز فراتر نرود (قابسی، ۳۱۲ - ۳۱۵، ۳۲۲؛ محیب ازغندی و جلیلی، ۱۸ - ۳۰؛ محمد محمود و صوص، ۹۰۳ - ۹۰۵). همچنین معلم، اجیر والدین دانش آموزان است و بنا بر این باید وظایف دو طرف به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی در قرارداد اجاره به طور دقیق و روشن قید شود. بدین ترتیب در صورت رعایت وظایف تعیین شده توسط والدین و معلم، کودکان برای زندگی خود سرمشق هایی صالح خواهند داشت (قابسی، ۲۹۳).

ب: تعلیم و تربیت کودکان: قابسی با طرح حدیث نبوی «أَفْضَلُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَعَلَّمَهُ» معتقد است بهره مندی همه افراد از آموزش و پرورش حقی عمومی است و در این باره نباید تفاوتی میان افراد وجود داشته باشد. از این رو، با استناد به آیه ۳۴ سوره احزاب^۴ آموزش

۴. ای همسران پیامبر! آنچه از آیات خداوند و حکمت در خانه های شما بازگو می شود به یاد آورید، حقا که خداوند همواره ریزین و آگاه است.

بانوان را به ویژه در زمینه احکام دینی امری بسیار پسندیده می شمارد (همانجا). وی تأکید می کند آموزش و پرورش باید از سنین کودکی و ابتدا در محیط خانواده آغاز شود و والدین به ویژه پدر در این کار مسئولیت دارند. وی این کار را نوعی سرمایه گذاری بلند مدت دانسته؛ زیرا کودکان ضمن فراگیری احکام دینی به انجام دادن آنها عادت خواهند کرد. نکته دیگر تأمین تمامی هزینه های تحصیل فرزندان مانند پرداخت اجرت معلم توسط پدر است که یکی از نفقات واجب بر او است. وی معتقد است اگر کودکی به سبب عدم تمکن مالی پدر از تحصیل باز ماند خویشاوندان نزدیک، حاکم و ثروتمندان مسلمان در تأمین هزینه تحصیل او وظیفه اخلاقی دارند (همو، ۲۸۹ - ۲۹۲). قابسی ضمن تأکید فراوان بر پرداخت اجرت تدریس، برای بهره مندی کودکان کم بضاعت از تحصیل به معلمان توصیه می کند اجرت خود را - علاوه بر شکل نقدی - به صورت اقساط، کالا یا خدمت ضمانت شده نیز بپذیرند و بهتر است افراد بی بضاعت را داوطلبانه و رایگان آموزش دهند (همو، ۳۴۱). وی برای تحقق و پیشبرد موارد فوق، ضمن پیش بینی تنبیه هایی برای دانش آموزان و معلم خطاکار، یک برنامه تحصیلی هفتگی پیشنهاد کرده، در آن زمان مناسب برای تدریس مطالب مختلف، روزهای تعطیل و امتحان را معین کرده است. علاوه بر این مواد آموزشی را در سه قالب کلی بدین صورت ارائه کرده است:

واجب: فراگیری خواندن و نوشتن قرآن و احکام این کار، وضو، نمازهای مختلف و احکام آنها و دعا.

اختیاری: زبان عربی شامل صرف، نحو و لغت، تاریخ، شعر مشروط به عاری بودن از واژه های زشت و حساب.

حرام: سحر و جادو با عنوان کلی «اباجاد» (همو، ۳۰۵ - ۳۰۸، ۳۱۵ - ۳۱۸، ۳۴۲؛ حلاوی، ۱۴۸ - ۱۵۴).

ج: عدم ارتباط با پیروان ادیان دیگر: علاوه بر اصلاح بزرگسالان و تربیت کودکان به اعتقاد قابسی حضور اقلیت غیر مسلمان در تقویت یا تضعیف جامعه مالکی بسیار تأثیرگذار است، از این رو نوع و میزان رابطه با آنان را از دو بعد فقهی و اخلاقی بررسی کرده است. وی از نظر فقهی معتقد است نباید هیچ گونه ارتباطی - به ویژه در امور آموزشی - در دوران کودکی میان مسلمانان با پیروان سایر ادیان وجود داشته باشد؛ زیرا ممکن است در این ارتباطها

غیرمسلمان‌ها بر کودکان مسلمان تأثیر گذاشته، در اعتقادات و باورهای دینی آن‌ها خلل و ابهام ایجاد شود. مسلمانان نباید فرزندان خود را به مکتب‌های ادیان دیگر و معلم غیرمسلمان بسپارند. معلم مسلمان اجازه ندارد در مکتب خود، کودک مسیحی و یا یهودی بپذیرد و او را همراه با کودکان مسلمان آموزش دهد. وی همچنین اجازه ندارد هدیه و یا پاداش مسلمانان را در روزهای جشن و شادی مسیحیان و یهودیان بپذیرد و باید به هدیه دهندگان یادآور شود که این کار آن‌ها بزرگداشت اعیاد کافران است. مسلمانان هم نباید در روزهای عید غیر اسلامی به معلم‌ان خود عیدی یا پاداش دهند بلکه این کار را باید در روزهایی مانند اول ماه رمضان انجام دهند (قابسی، ۳۲۸)، اما از بعد اخلاقی معتقد است غیر مسلمانانی که در سرزمین‌های اسلامی و تحت نظر حکومت اسلام زندگی می‌کنند هم مانند مسلمانان باید از نعمت آموزش بهره‌مند باشند؛ آنان باید مکتب و مدرسه خاص و معلمی از هم‌کیشان خود داشته باشند و مسائل مورد نیازشان را از وی فراگیرند (همو، ۳۰۸-۳۰۹).

می‌توان گفت دیدگاه قابسی مبنی بر بهره‌مندی تمام اقشار جامعه از دانش با شرایط اجتماعی پیش گفته تطابق دارد اما نظر وی مبنی بر جدایی کامل پیروان ادیان مختلف و عدم برقراری روابط آموزشی میان آنها تا اندازه‌ای متعصبانه به نظر می‌رسد؛ زیرا تعامل رابطه‌ای دوسویه است و همان‌گونه که غیر مسلمانها می‌توانند بر کودکان مسلمان تأثیر بگذارند، مسلمانها نیز می‌توانند بر آنها تأثیرگذار باشند و از این طریق در تضعیف اعتقادات دینی و گرایش آنها به دین اسلام نقش مهمی ایفا کنند.

در اوایل قرن پنجم هجری، روابط سیاسی و مذهبی امیران بنی‌زبیر با فاطمیان مصر به طور کامل تغییر کرد. مُعز بن بادیس (حک. ۴۰۶-۴۵۳ ق/۱۰۱۶-۱۰۶۱م) استقلال حکومت خود از اطاعت فاطمیان، بازگشت به مذهب اهل سنت و وفاداری به خلافت عباسی را اعلام کرد. در پی این اقدام، مذهب مالکی بار دیگر در افریقه رسمیت یافت و بدین ترتیب زمینه مناسبی برای رشد و بسط اندیشه‌های دانشمندان مالکی مانند قابسی فراهم شد (ابن العذاری، ۲۷۳/۱ تا ۲۷۹). گزارش ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۶ ق/۱۳۳۲-۱۴۰۶م) نشان می‌دهد پیشنهادها و نظرات آموزشی قابسی تا اوایل سده نهم هجری در افریقه اجرا می‌شده است. وی در این باره می‌نویسد: «اما مردم افریقه علاوه بر قرآن غالباً حدیث هم به کودکان می‌آموزند و به تدریس قوانین علوم هم به آنان می‌پردازند و بعضی از قوانین علمی را بر آنان تلقین می‌کنند،

ولی عنایت بیشتری به قرآن مبذول می‌دارند و کودکان را به حفظ آن وا می‌دارند و اختلاف روایت و قرائت آن‌ها را به آنان می‌آموزند. پس از قرآن به خط توجه دارند» (ابن خلدون، ۱۳۵۳ش، ۱/۱۰۳۸ - ۱۰۴۰؛ محمد محمود و صوص، ۹۰۱).

نتیجه‌گیری

یکی از فعالیت‌های فاطمیان در افریقیه، تلاش برای گرویدن مردم منطقه به مذهب تشیع اسماعیلیه از طریق اعمال محدودیت‌های متعدد برای اهل سنت، تبلیغات گسترده، نگارش منابع فقهی و حدیثی و ایجاد نظام آموزشی خاص بود. ادامه بسیاری از این سیاست‌ها توسط امیران بنی زبیری و فعالیت‌های آشکار و پنهان اباضیه در قرن سوم و چهارم هجری باعث نفوذ برخی از اصول و مبانی این دو مذهب در میان جامعه مالکی و متعاقب آن ایجاد شبهات و طرح پرسش‌های جدید در این باره شد. به علاوه برخی سوء استفاده‌ها از جایگاه قابل توجه معلم در جامعه و عدم تناسب محتوای تنها منبع تربیتی مالکیان منطقه یعنی *آداب المعلمین* این سخنون با مقتضیات عصر و اختصار فراوان آن واکنش فقیهان و متکلمان اهل سنت را در پی داشت. یکی از این واکنش‌ها نگارش اثری فقهی-تربیتی و پرداختن به جنبه‌هایی خاص از تربیت توسط قابسی است. به اعتقاد وی تمامی نیازهای زندگی انسان از جمله تعلیم و تربیت در منابع دینی (قرآن و سنت) وجود دارد که باید با بررسی و مطالعه دقیق و متناسب با نیاز، از میان سایر مطالب این متون استخراج شوند. از این رو *الرسالة المفصلة* را تنها بر مبنای همین منابع نگاشته و در این کتاب اثری از منابع غیر دینی دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر باید گفت مهمترین زمینه‌های فکری قابسی، منابع دینی (قرآن و سنت)، سیره مالک بن انس و برخی از فقهای مالکی و از همه مهمتر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان او هستند.

ترسیم نظامی آموزشی مبتنی بر مبانی مذهب مالکی و تأکید فراوان قابسی بر اصلاح قشر بزرگسال و ضرورت آموزش همگانی به ویژه از سنین کودکی، بیانگر نوعی آینده‌سازی و نگرش مثبت به آن، تلاش برای شکوفایی استعدادهای کودکان و وابستگی رشد و پیشرفت جامعه به امر آموزش و پرورش در اندیشه او است. ویژگی‌های آرای تربیتی وی نیز از همین موضوع قابل استنباط است که برخی از آنها عبارتند از:

الف. وی برای تشکیل جامعه دینی بر اصلاح قشر بزرگسال و تربیت نسل کودکان تأکید

کرده است.

ب. آموزش و پرورش مورد نظر قابسی جنبه عمومی دارد و در رساله وی از مسائل سیاسی و نظامی مورد توجه دولت مردان، نکته خاصی مشاهده نمی‌شود.

ج. از میان جنبه های متعدد تربیت، فقط دو جنبه تربیت دینی و اخلاقی مورد توجه و تأکید قابسی قرار گرفته است.

هر چند مطالب *الرسالة المفصلة* فقط به محدوده جغرافیایی افریقه اختصاص یافته، اما این کتاب بنا بر دلایل زیر از اهمیت و ارزش خاصی در میان منابع تربیتی مسلمانان برخوردار است:

الف. این کتاب دومین اثر تربیتی مسلمانان در افریقه محسوب می شود.

ب. شیوه نگارش این اثر سبکی نو در تدوین مطالب آثار تربیتی است.

ج. تنظیم مطالب کتاب به صورت پرسش و پاسخ استفاده از آن را راحت ساخته است.

د. کتاب حاوی مطالبی است که منابع آنها از بین رفته و با مطالعه آن می توان با دیدگاه های برخی از نویسندگان مالکی آشنا شد.

کتابشناسی

قرآن مجید

- ابن اثیر جزری، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، دار صادر، بیروت، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
- ابن بشکوال، ابی القاسم، خلف بن عبد الملک، *الصله فی التاریخ الاثمه اندلس و علمائهم*، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، قاهره، ۱۳۷۴ق.
- ابن حوقل، ابو القاسم، *صورة الأرض*، مطبعه بریل، لیدن، ۱۹۳۸م.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *العبر، بی نا، کویت*، ۱۹۶۱م.
- ، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۳ش.
- ابن خلکان، شمس الدین ابو العباس، احمد، *وفیات الاعیان و انباء ابنا الزمان*، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۰م.
- ابن سحنون، ابو عبدالله، محمد بن عبدالسلام، *آداب المعلمین*، تصحیح احمد فواد الاهوانی، دار المعارف، قاهره ۱۹۶۸م.
- ابن العذاری المراكشی، محمد، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب*، تحقیق ج.س. کولان و لوفی برووانسال، دار الثقافه، بیروت، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

- ابن فرحون مالکی، ابراهیم بن علی، *الديباچ المذهب في معرفت اعيان المذهب*، تصحيح محمد الحمدي ابو انور، مكتبه دار التراث، قاهره، ۱۳۹۴ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *جامع الصحیح*، دار الفكر، بیروت، ۱۴۰۱ق.
- بروکلیمان، کارل، *تاریخ الادب العربی*، ترجمه عبد الحلیم النجار، دار المعارف، بیروت، بی تا.
- البکری، ابو عبید، عبدالله بن عبد العزیز، *المغرب فی ذکر بلاد افریقیه والمغرب و هو جزء من المسالك والممالک*، مكتبه المثنی، بغداد، بی تا.
- چلونگر، محمدعلی، *زمینه های پیدایش خلافت فاطمی*، انتشارات حوزه و دانشگاه، بی جا، ۱۳۸۵ش.
- ، «زمینه ها و علل اقتصادی گرایش به فاطمیان در افریقیه و مغرب»، *مجله تاریخ اسلام*، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۲ش.
- حلاوی، محمود مصطفی، «قابسی و فکره التربوی بین الاصله و التجدید»، *جامعه دیاله، مجله التراث العربی*، العدد ۳۸، ۱۴۰۸ق.
- خالد، احمد، *ابوالحسن علی القابسی و الرساله المفصله لاحوال المتعلمین والاحکام المعلمین و المتعلمین*، درسه تحقیق و ترجمه فرنسیه، الشركه التونسیه للنشر، تونس، ۱۹۸۶م.
- خضیری، حسن، احمد، *علاقات الفاطمیین فی مصر بدول المغرب*، مكتبه المدبولی، تونس، ۱۹۹۶م.
- داغ، محمد و حفظ الرحمن رشد اویمن، *تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام*، ترجمه علی اصغر کوشافر، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۳۶۹ش.
- ذهبی، ابو عبدالله محمد، *تذکره الحفاظ*، دار احیاء التراث العربیه، بیروت، ۱۳۷۴ق.
- السبتی، عیاض بن موسی، (قاضی عیاض)، *ترتیب المدارک و تقریب المسالك لمعرفة اعلام مذهب مالک*، تحقیق احمد بکیر محمود، دار مكتبه الحیات، بیروت، ۱۳۷۸ق/۱۹۶۷م.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *طبقات الحفاظ*، تحقیق محمد علی عمر، دار الثقافه الدینیه، ریاض، ۱۴۱۷ق.
- شلبی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام تا سقوط ایوبیان در مصر*، ترجمه محمدحسین ساکت، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۷ش.
- شمس الدین، عبدالامیر، *الفکر التربوی عند ابن سحنون والقابسی*، دار الاقراء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- صفدی، خلیل بن ایبک، *نکت الهمیان فی نکت العمیان*، المكتب الجمالی، قاهره، ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م.
- ضیایی، علی اکبر، *تاریخ اعتقادات اباضیه*، نشر ادیان، قم، ۱۳۹۰ش.
- عثمان الحجازی، عبدالرحمن، *تطور الفكر التربوی الاباضی فی شمال افریقیه*، المكتبه العصریه، بیروت، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م.

- ، *التربية الإسلامية في قیروان في قرون الهجري الثلاثة الأولى*، المكتبة العصرية، بیروت، ۱۹۹۷م.
- ، *المذهب التربوي عند ابن سحنون*، المكتبة العصرية، بیروت، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م.
- غنیمة، عبدالرحیم، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسای، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش.
- فقیهی، علینقی، «آرای تربیتی قابسی متفکر تربیتی اسلام در قرن چهارم هجری»، *مجله تعلیم و تربیت علوم تربیتی*، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۷۶ش.
- و دیگران، *آرای تربیتی دانشمندان مسلمان و مبانی آن*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، قم، ۱۳۸۸ش.
- قابسی، ابوالحسن، علی بن محمد بن خلف، *الرساله المفصله لحوال المتعلمین والاحکام المعلمین و المتعلمین*، تصحیح احمد فواد الاهوانی، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۶۸م.
- قاضی نعمان، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی المغربي، *دعائم الاسلام و ذکر حلال و الحرام والقضايا والاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام*، دار الاضواء، بی جا، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م.
- ، *رسالة افتتاح الدعوة (رسالة في ظهور دعوة العبيدية الفاطمية)*، تحقیق و داد القاضی، دار الثقافة، بیروت، ۱۹۷۰م.
- القیروانی، ابوالعرب، محمد بن احمد بن تمیم، *طبقات علماء افریقیه*، تصحیح علی الشابی و نعیم الیافی، دار التونسیه للنشر، تونس، ۱۹۶۸م.
- کوشافر، علی اصغر، «قابسی و طرح سوادآموزی عمومی»، *مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۱۳۲، تابستان ۱۳۶۳ش.
- متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا زکاوئی قراگوزلو، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ش.
- محمد محمود وصوص، دیمه و المعتصم بالله سلیمان الجوارنه، «من ملامح الفكر التربوي عند الامام القابسی: درسه تحلیله نقديه»، *جامعه الاردن، مجله دراسات العلوم التربیة*، العدد ۴۱، ۲۰۱۴.
- محبب ازغندی، حمید و مهدی جلیلی، «قابسی و اصول و روش های تعلیم و تربیت در الرسالة المفصله»، *مجله فقه و تاریخ تمدن*، شماره ۴۳، ۱۳۹۵ش.
- مدیر شانه چی، کاظم، *علم الحديث و درایه الحديث*، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
- المرزوقی، محمد، *قابس جنت الدنيا، غابتها، خلیجها، مدنیتهها، سكانها، تاریخها و رجالها*، مکتب الخانجی و مکتبه المثنی، قاهره، بغداد، ۱۹۶۲م.

- معرفت محمد هادی، تاریخ قرآن، سمت، تهران، ۱۳۷۷ش.
- مونس، حسین، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات آستان قدس رضوی و سمت، مشهد، ۱۳۸۴ش.
- منیر مرسی، محمد، تاریخ التریبه فی الشرق والغرب، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۹۳م.
- موسوی، سید جمال و نگار ذیلابی، «سیاست فاطمیان در قبال اهل سنت در دو دوره دعوت و تشکیل دولت»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹ش.
- نجوی، عثمان، مساجد القیروان، دار العکرمه، دمشق، ۲۰۰۰م.
- هالم، هایتنس، فاطمیان و سنتهای تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون بدره ای، فروزان، تهران، ۱۳۷۷ش.